



Journal of Early Childhood Health and Education

Winter 2025, Volume 5, Issue 4 (18), 150-160

The Role of Child's Temperament and Mother-child Emotional Bonding in Predicting the Anxiety of 3 to 6 Year-old Children of Working Mothers

Mahboube Pirahmadi¹ & Ali Zeinali^{2*}

1. MA of General Psychology, Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran
2. Associate Professor, Department of Psychology, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran

ARTICLE INFORMATION

ABSTRACT

Article type

Original research

Pages: 150-160

Corresponding Author's Info

Email: ali.zeinali@iau.ac.ir

Article history:

Received: 2024/10/05

Revised: 2024/11/21

Accepted: 2024/11/28

Published online: 2025/02/28

Keywords:

Child's temperament

Mother-child emotional bonding,

Children's anxiety

Working mothers

Background and Aim: Children, especially children of working mothers, experience a high level of anxiety and it is necessary to conduct research with the aim of predicting and designing programs to reduce it. Therefore, the aim of this study was determine the role of the child's temperament and mother-child emotional bonding in predicting the anxiety of 3 to 6 year-old children of working mothers.

Methods: This study in terms of purpose was applied and in terms of implementation method was cross-sectional from type of correlation. The research population was all children 3 to 6 year-old with working mothers in Urmia city in 2022 year. The sample size was 200 people, which this number were selected by purposive sampling method. The research tools were Hegwit et al.'s middle childhood temperament questionnaire (1982), Kitamura et al.'s mother-child emotional bonding scale (2015) and Rodgers et al.'s parental version of anxiety scale for children (2016). The data were analyzed by Pearson correlation coefficients and multiple regression with enter model in SPSS software version 24. **Results:** The findings showed that the child's positive temperament ($r=-0.479$) and mother-child emotional bonding ($r=-0.596$) had a negative and significant relationship with the anxiety of children of working mothers and the child's negative temperament ($r=0.471$) had a positive and significant relationship with their anxiety. Also, the child's positive and negative temperament and mother-child emotional bonding significantly could predict 48.3% of the anxiety changes of children with working mothers, which in this predicting according to the rate of Beta the share of mother-child emotional bonding was higher than other variables. **Discussions:** The results indicated the effective role of the child's temperament and mother-child emotional bonding in predicting the anxiety of 3 to 6 year-old children of working mothers. Therefore, to reduce their anxiety, can be used the educational workshops to reduce child's negative temperament and improve child's positive temperament and mother-child emotional bonding.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Pirahmadi H, Zeinali A (2025). The Role of Child's Temperament and Mother-Child Emotional Bonding in Predicting the Anxiety of 3 to 6 Year-Old Children of Working Mothers. *JECHE*, 5(4, 18): 150-160. DOI: 10.32592/jeche.5.4.150



فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی



زمستان ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۱۸)، صفحه‌های ۱۶۰-۱۵۰

نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله مادران شاغل

محبوبه پیراحمدی^۱ و علی زینالی^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران
۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

چکیده

زمینه و هدف: کودکان، بهویژه کودکان دارای مادران شاغل، میزان بالایی از اضطراب را تجربه می‌کنند و انجام پژوهش با هدف پیش‌بینی و طراحی برنامه‌هایی برای کاهش آن ضروری است. بنابراین، هدف این مطالعه تعیین نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله مادران شاغل است.

روش پژوهش: این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش همه کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل شهر ارومیه در سال ۱۴۰۱ بودند.

حجم نمونه ۲۰۰ نفر بود که این تعداد با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه مزاج کودکی میانه هگوییک و همکاران (۱۹۸۲)، مقیاس پیوند عاطفی مادر و کودک کیتامورا و همکاران (۲۰۱۵) و نسخه والدین مقیاس اضطراب برای کودکان راجرز (Rodgers) و همکاران (۲۰۱۶) بود. داده‌ها با روش‌های ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه با مدل همزمان در نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که مزاج مثبت کودک (۰/۴۷۹) و پیوند عاطفی مادر و کودک (۰/۵۹۶) با اضطراب کودکان دارای مادران شاغل رابطه منفی و معنی دار و مراج منفی کودک (۰/۴۷۱) با اضطراب آنان رابطه مثبت و معنی دار داشت. همچنین، مزاج مثبت و منفی کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک به طور معنی داری توانسته ۴۸/۳ درصد از تغییرات اضطراب کودکان دارای مادران شاغل را پیش‌بینی کنند که در این پیش‌بینی با توجه به مقدار بتا سهم پیوند عاطفی مادر و کودک بیشتر از سایر متغیرها بود.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از نقش مؤثر مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل بود. بنابراین، برای کاهش اضطراب آنان می‌توان از کارگاه‌های آموزشی کاهش مزاج منفی کودک و بهبود مزاج مثبت کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک استفاده کرد.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۱۵۰-۱۶۰

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

ali.zeinali@iau.ac.ir

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

وازگان کلیدی

اضطراب کودکان،

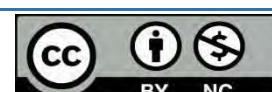
پیوند عاطفی مادر و کودک

مادران شاغل

مزاج کودک

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

پیراحمدی، محبوبه؛ زینالی، علی. (۱۴۰۳). نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله مادران شاغل. فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی، ۵(۴)، ۱۵۰-۱۶۰.

مقدّمه

اختلال‌های اضطرابی^۱ یکی از شایع‌ترین آسیب‌های روان‌شناسخی دوران کودکی و نوجوانی‌اند که پیش‌بینی کننده خوبی برای سایر اختلال‌ها و آسیب‌های روان‌شناسخی در دوران بزرگ‌سالی هستند (سویتمن^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). اضطراب^۳ یک هیجان فراگیر و حشت با منشأ افکار، نیازها، باورها و خواسته‌های سرکوب‌شده در پاسخ به تهدیدهای درونی، مبهم و نامعلوم است (لوری^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). ویژگی‌های اصلی این اختلال شامل نگرانی شدید درباره یک یا چند رویداد یا فعالیت، دشواری در کنترل نگرانی و اختلال در عملکرد تحصیلی، شغلی و اجتماعی هستند (رابسون^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش‌های همه‌گیر‌شناسی حاکی از آن هستند که اختلال‌های اضطرابی یکی از شایع‌ترین آسیب‌های روانی در کودکان هستند و از هر ۱۰ کودک حداچل یک نفر در دوران کودکی به یکی از اختلال‌های اضطرابی مبتلا شده است (تام^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). به طور کلی، شیوع اختلال‌های اضطرابی در کودکان جهان ۸ تا ۱۲ درصد (شکری میرحسینی و همکاران، ۲۰۲۱) و در کودکان ایران ۱۴/۵ درصد است (میکایلی مینی و آب‌خیز، ۲۰۲۱). شیوع بالای اختلال‌های اضطرابی در دوران کودکی و تأثیر آن بر دشواری در کنش‌های درون‌فردی و میان‌فردی، بررسی آن را ضروری ساخته است (لی^۷ و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از عوامل مرتبط با اضطراب، مزاج کودک^۸ است (گلین^۹ و همکاران، ۲۰۱۸) که ویژگی‌ها و استعدادهای افراد را شکل می‌دهد و باعث تفاوت آن‌ها با دیگران می‌شود (گوبیل بوردو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین نمی‌توان دو نفر را با توجه به شباهت ظاهری آن‌ها، مشابه تصور کرد؛ زیرا مزاج عامل مؤثری در ایجاد تفاوت‌های فردی است (آگوستین، استیفتر^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹). این سازه به تفاوت‌های فردی پایدار در مهارت‌ها، عادت‌ها، هیجان‌ها و رفتارهای ادراکی ناشی از تعامل عناصر زیستی و محیطی اشاره دارد (هاروی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۲). مزاج شامل دو بخش مزاج مثبت^{۱۳} و مزاج منفی^{۱۴} است که مزاج مثبت به تمایل فرد برای شاد بودن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و مزاج منفی به تمایل فرد برای نگرانی و رنج در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اشاره دارد (مروین^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش‌ها حاکی از ارتباط مزاج کودک با اضطراب بودند. برای مثال، نتایج پژوهش میلر و همکاران نشان داد که بین مزاج کودک با عالم اضطراب گزارش شده توسط مادران ارتباط معنی‌داری وجود داشت (میلر^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۱). هونگ^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۸) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مزاج کودک و اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله رابطه منفی و معنی‌دار داشت. در پژوهشی دیگر فوکس و پاین^{۱۸} (۲۰۱۲) گزارش کردند که بین مزاج کودکان و اختلال‌های اضطرابی در آنان رابطه معنی‌دار وجود داشت. همچنین، محمدی‌زاده و همکاران (۲۰۲۲) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که میزان اضطراب آشکار مادران سرد مزاج بیشتر از مادران گرم‌مزاج و معتدل بود و بین مزاج و اضطراب ارتباط وجود داشت. در پژوهشی دیگر اکبری و همکاران (۲۰۲۲) گزارش کردند که مزاج منفی یا خلق‌وحشی

1. Anxious Disorders
2. Sweetman, A & et al
3. Anxiety
4. Lowrie, N & et al
5. Robson, D & et al
6. Tam, H. L & et al
7. Lee, H.
8. Child's Temperament
9. Glynn, L & et al
10. Gobeil-Bourdeau, J & et al
11. Augustine, M. E & et al
12. Harvey, E & et al
13. Positive Temperament
14. Negative Temperament
15. Merwin, S. M & et al
16. Miller, M. L & et al
17. Hong, L. B & et al
18. Fox, N. A & Pine, D. S

منفی با اضطراب جدایی همبستگی مثبت و معنی دار و مزاج مثبت یا خلق و خوی مثبت با آن همبستگی منفی و معنی دار داشت. یکی دیگر از عوامل مرتبط با اضطراب، پیوند عاطفی مادر و کودک^۱ است (اسلمان^۲ و همکاران، ۲۰۱۵) که برقراری پیوند عاطفی مناسب بین مادر و کودک به عنوان مهم‌ترین اصل در تحول شخصیت کودکان نقش مهمی در سلامت روانی، هیجانی و اجتماعی و سایر ویژگی‌های روان‌شناختی آنان دارد (هوفلیچ^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). پیوند عاطفی مادر و کودک شامل احساس‌های صمیمیت، ملایمت، محافظت و گرمی است و با رفتارهایی مانند نگاه کردن، لبخند زدن، لمس کردن، نوازش کردن و صحبت کردن مشخص می‌شود (تاکودا^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). این پیوند یا رابطه مکانیسمی سازگارانه و انطباقی با منشأ زیستی درباره پاسخ‌های هیجانی و رفتاری بین مادر و کودک است که در طول زمان رشد و تحول می‌باید (هازارد^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). داشتن مادرانی که همواره کودک را مورد حمایت و پشتیبانی عاطفی قرار می‌دهند، باعث کاهش بسیاری از مشکلات روان‌شناختی در کودکان و حتی پیشگیری از وقوع آن‌ها می‌شود (کلک^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). نتایج پژوهش‌ها حاکی از ارتباط پیوند عاطفی مادر و کودک با اضطراب بودند. برای مثال، نتایج پژوهش هونگ و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که بین صمیمیت والد و کودک و اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله رابطه منفی و معنی دار وجود داشت. در پژوهشی دیگر اسلامان و همکاران (۲۰۱۵) گزارش کردند که پیوند عاطفی مادر و کودک با اضطراب کودکان همبستگی منفی و معنی دار داشت. گالشی و همکاران (۲۰۱۶) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که پیوند عاطفی مادر و کودک با اضطراب آشکار و پنهان و افسردگی همبستگی معنی دار داشت. در پژوهشی دیگر، خانجانی و همکاران (۲۰۱۶) گزارش کردند که بین کیفیت تعامل مادر-کودک با اختلال‌های اضطرابی هراس جسمانی، اضطراب فraigیر، اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی و مدرسه هراسی رابطه منفی و معنی دار وجود داشت.

امروزه، فعالیت زنان به کارهای داخل منزل محدود نمی‌شود و بسیاری از آن‌ها در مشاغل مختلف مشغول فعالیت می‌شوند. همچنین در دهه‌های اخیر، ورود زنان به بازار کار و افزایش سهم آن‌ها در اشتغال با مباحث مختلفی از جمله افزایش اضطراب کودکان همراه بوده است. بنابراین برای کاهش اضطراب کودکان دارای مادران شاغل، باید برنامه‌هایی طراحی کرد و برای این منظور، ابتدا باید متغیرها و عوامل مؤثر و مرتبط با آن را شناسایی کرد که با توجه به پیشینه پژوهشی به نظر می‌رسد متغیرهای مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در این زمینه سهمی داشته باشند. علاوه بر آن، پژوهش‌های اندکی درباره ارتباط مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک با اضطراب کودکان انجام شده است و یکی از خلاصهای موجود در این زمینه عدم یافتن پژوهشی درباره آن بر روی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل بود. نکته مهم دیگر این که انجام این مطالعه می‌تواند به متخصصان و برنامه‌ریزان خانواده‌ها و حتی خانواده‌های دارای مادران شاغل در شناخت بهتر اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله و عوامل مؤثر بر آن کمک کند. با توجه به مطالب مطرح شده، هدف این مطالعه تعیین نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله مادران شاغل بود.

روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش همه کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل شهر ارومیه در سال ۱۴۰۱ بودند. به نظر بسیاری از متخصصان آماری، از جمله کلاین^۷، حداقل حجم نمونه لازم برای انجام پژوهش‌های همبستگی و رگرسیون تعداد ۲۰۰ نفر است. بنابراین، در این مطالعه تعداد ۲۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری

1. Mother-Child Emotional Bonding
2. Asselmann, E & et al
3. Höflich, A & et al
4. Tokuda, N & et al
5. Hazzard, V. M & et al
6. Kolk, T. A & et al
7. Kline, R. B.

هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این مطالعه ملاک‌های ورود به مطالعه شامل اشتغال مادر، داشتن فرزندان ۳ تا ۶ ساله، حداقل تحصیلات دیپلم، سن ۲۰ سال و بالاتر از آن، زندگی کودکان ۳ تا ۶ ساله همراه با پدر و مادر واقعی خود، عدم وقوع رخدادهای تنفسی زمانی مرگ نزدیکان در سه ماه گذشته، عدم اعتیاد و مصرف داروهای روان‌پزشکی مثل ضداضطراب و ضدآفسردگی در هیچ‌یک از اعضای خانواده و تمایل جهت شرکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل انصراف از شرکت در پژوهش، تکمیل ابزارها به صورت ناقص و عدم پاسخ‌گویی به بیش از ده درصد گویی‌ها بودند.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه مزاج کودکی میانه^۱ (۱۹۸۲): پرسشنامه مزاج کودکی میانه را هگوییک^۲ و همکاران در سال ۱۹۸۲ با ۹ آیتم و دو بُعد مزاج مثبت (۵ آیتم) و مزاج منفی (۴ آیتم) طراحی کردند. برای پاسخ‌گویی به هر آیتم، از طیف لیکرت چهار درجه‌ای از اصلًا (نموده ۱) تا اغلب (نموده ۴) استفاده شد و نمره هر بُعد با مجموع نمره آیتم‌های سازنده آن بُعد محاسبه می‌شود. بنابراین، دامنه نمرات برای مزاج مثبت ۵ الی ۲۰ و برای مزاج منفی ۴ الی ۱۶ است و نمره بالاتر به معنای بیشتر داشتن آن ویژگی است. روایی سازه ابزار با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و نتایج حاکی از وجود دو عامل مزاج مثبت و مزاج منفی بود و پایایی با روش آلفای کرونباخ برای مزاج مثبت ۰/۹۳ و برای مزاج منفی ۰/۸۸ محاسبه شد (هگوییک و همکاران، ۱۹۸۲). در ایران، بزدخواستی و همکاران (۲۰۱۱) روایی ابزار را با روش تحلیل عاملی تأییدی، بررسی و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۲ گزارش و نتایج حاکی از برازش مناسب بودند. در پژوهش حاضر روایی صوری پرسشنامه مزاج کودکی میانه توسط ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه تأیید شد و پایایی با روش آلفای کرونباخ برای مزاج مثبت ۰/۹۰ و برای مزاج منفی ۰/۸۷ به دست آمد.

۲- مقیاس پیوند عاطفی مادر و کودک^۳ (۲۰۱۵): مقیاس پیوند عاطفی مادر و کودک را کیتامورا^۴ و همکاران در سال ۲۰۱۵ با ۱۰ آیتم طراحی کردند. برای پاسخ‌گویی به هر آیتم، از طیف لیکرت چهار درجه‌ای از اصلًا (نموده ۱) تا خیلی زیاد (نموده ۴) استفاده شد و نمره مقیاس با مجموع نمره آیتم‌ها محاسبه و غیر از آیتم‌های ۱، ۶، ۸ و ۱۰، همه آیتم‌ها به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. بنابراین، دامنه نمرات ۱۰ الی ۴۰ و نمره بالاتر به معنای پیوند عاطفی مطلوب‌تر است. روایی سازه ابزار با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی گردید و نتایج حاکی از وجود دو عامل فقدان محبت و خشم و طرد بود و پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه شد (کیتامورا و همکاران، ۲۰۱۵). در ایران، حسن‌زاده و زینالی (۲۰۱۹) پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، روایی صوری مقیاس پیوند عاطفی مادر و کودک توسط ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه تأیید شد و پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد.

۳- نسخه والدین مقیاس اضطراب برای کودکان^۵ (۲۰۱۶): مقیاس اضطراب برای کودکان را راجرز^۶ و همکاران در سال ۲۰۱۶ با ۲۴ آیتم طراحی کردند که در این پژوهش از نسخه والدین آن استفاده شد. برای پاسخ‌گویی به هر آیتم، از طیف لیکرت چهار درجه‌ای از هر گز (نموده ۰) تا همیشه (نموده ۳) استفاده شد و نمره مقیاس با مجموع نمره آیتم‌ها محاسبه می‌شود. بنابراین، دامنه نمرات ۰ الی ۷۲ و نمره بالاتر به معنای اضطراب بیشتر کودکان است. روایی سازه ابزار با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد و نتایج حاکی از وجود چهار عامل اضطراب عملکرد، عدم قطعیت، برانگیختگی مضطرب و اضطراب جدایی بودند و پایایی با روش

1. Middle Childhood Temperament Questionnaire
2. Hegvik, R. L & et al
3. Mother-Child Emotional Bonding Scale
4. Kitamura, T & et al
5. Parental Version of Anxiety Scale for Children
6. Rodgers, J & et al

آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و با روش بازآزمایی بک‌ماهه ۰/۸۴ محسوب شد (راجرز و همکاران، ۲۰۱۶). در ایران، پژوهشی درباره روایی و پایایی مقیاس اضطراب برای کودکان پژوهش حاضر یافت نشد. در پژوهش حاضر، روایی صوری مقیاس اضطراب برای کودکان توسط ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه تأیید شد و پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

شیوه اجرا

روند اجرای پژوهش حاضر به این صورت بود که پس از تصویب پروپوزال، به شناسایی نمونه‌ها اقدام شد و برای آنان اهمیت و ضرورت پژوهش تبیین و درباره رعایت نکات و ملاحظات اخلاقی اطمینان داده شد. برای این منظور، پژوهشگر متعهد شد که اصول رازداری، حفظ حریم آزمودنی‌ها، محترمانه ماندن اطلاعات شخصی و غیره را رعایت و حتی داده‌ها را به صورت کلی تحلیل کند. علاوه بر آن، به آن‌ها گفته شد که جهت شرکت در پژوهش آزاد هستند و درنهایت در صورت موافقت جهت شرکت در پژوهش، رضایت‌نامه شرکت در پژوهش توسط آنان امضا شد. داده‌های پژوهش حاضر با روش‌های ضرایب هم‌ستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با مدل همزمان در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تحلیل شدند.

یافته‌ها

ریزشی در نمونه‌های پژوهش حاضر اتفاق نیفتاد و تحلیل‌ها برای ۲۰۰ نفر انجام شد. نتایج فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی در جدول ۱ گزارش شد.

جدول ۱: نتایج فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی

متغیر	سطح	فرابانی	درصد فرابانی
جنسیت کودک	دختر	۶۸	%۳۴
	پسر	۱۳۲	%۶۶
سن کودک	۳ سال	۴۴	%۲۲
	۴ سال	۶۶	%۳۳
تحصیلات مادر	۵ سال	۵۲	%۱۶
	۶ سال	۳۸	%۱۹
سن مادر	دیپلم	۲۶	%۱۳
	کارشناسی	۱۱۴	%۵۷
	بالاتر از کارشناسی	۶۰	%۳۰
	۲۱-۲۵ سال	۲۶	%۱۳
	۲۶-۳۰ سال	۳۴	%۱۷
	۳۱-۳۵ سال	۷۲	%۳۶
	۳۶-۴۰ سال	۴۴	%۲۲
	بالاتر از ۴۰ سال	۲۴	%۱۲

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر کودکان پسر (۱۳۲ نفر معادل ۶۶ درصد) و ۴ سال (۶۶ نفر معادل ۳۳ درصد) و بیشتر مادران دارای تحصیلات کارشناسی (۱۱۴ نفر معادل ۵۷ درصد) و ۴ سال (۷۲ نفر معادل ۳۶ درصد) بودند. پیش از تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون چندگانه، پیش‌فرض‌های آن بررسی شد که فرض نرمال بودن متغیرهای مزاج مثبت و منفی کودک، پیوند عاطفی مادر و کودک و اضطراب کودکان براساس آزمون کولموگروف- اسمیرنوف به دلیل معنی‌داری بزرگ‌تر

از ۰/۰۵ رد نشد. همچنین، فرض هم خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با مقدار عامل تورم واریانس در دامنه ۱/۱۳۳ الی ۱/۵۵۹ و بهدلیل کوچک‌تر از ۱۰ بودن رد شد. علاوه بر آن، فرض همبستگی پسماندها با مقدار دوربین-واتسون ۱/۶۳۵ و بدلیل قرار داشتن در دامنه ۱/۵ الی ۲/۵ رد شد. درنتیجه، شرایط استفاده از رگرسیون چندگانه وجود داشت. نتایج میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی مزاج کودک، پیوند عاطفی مادر و کودک و اضطراب کودکان در جدول ۲ گزارش شد.

جدول ۲: نتایج میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی مزاج کودک، پیوند عاطفی مادر و کودک و اضطراب کودکان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
۱- مزاج مثبت کودک	۱۶/۳۹۵	۴/۲۸۷	۱			
۲- مزاج منفی کودک	۶/۶۸۵	۲/۴۳۶	-۰/۳۸۲**	۱		
۳- پیوند عاطفی مادر و کودک	۲۱/۷۲۰	۷/۱۱۰	۰/۲۹۴**	-۰/۴۱۲**	۱	
۴- اضطراب کودکان	۲۹/۵۵۵	۸/۵۶۲	-۰/۴۷۹**	-۰/۵۹۶**	-۰/۴۷۱**	۱

**P<0/001

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مزاج مثبت کودک ($r=-0/479$) و پیوند عاطفی مادر و کودک ($r=-0/596$) با اضطراب کودکان دارای مادران شاغل رابطه منفی و معنی‌دار و مزاج منفی کودک ($r=0/471$) با اضطراب آنان رابطه مثبت و معنی‌دار داشت ($P<0/001$). نتایج رگرسیون چندگانه با مدل هم‌زمان برای تعیین نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان در جدول ۳ گزارش شد.

جدول ۳: نتایج رگرسیون چندگانه با مدل هم‌زمان برای تعیین نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان

متغیر	R	R ²	آماره F	Sig	B	SE	Beta	t مقدار	Sig
مزاج مثبت کودک	۰/۴۸۳	۰/۲۲۷	-۰/۵۰۱	-۰/۹۸۵	-۰/۲۵۱	۰/۱۲۶	-۰/۲۵۱	-۰/۰۰۱	
مزاج منفی کودک	۰/۶۹۵	۰/۴۸۳	۶۱/۰۵۸	۰/۰۰۱	۰/۶۱۲	۰/۱۷۴	۰/۷۱۷	۰/۰۰۷	
پیوند عاطفی مادر و کودک					-۰/۵۶۷	۰/۰۶۶	-۰/۴۷۱	-۰/۶۱۲	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مزاج مثبت و منفی کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک به‌طور معنی‌داری توانستند ۴۸/۳ درصد از تغییرات اضطراب کودکان دارای مادران شاغل را پیش‌بینی کنند که در این پیش‌بینی با توجه به مقدار بتا سهم پیوند عاطفی مادر و کودک بیشتر از سایر متغیرها بود ($P<0/001$).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به شیوع بالای اضطراب در کودکان و نقش اشتغال مادران در افزایش آن، هدف این مطالعه تعیین نقش مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله مادران شاغل بود.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که مزاج مثبت کودک با اضطراب کودکان دارای مادران شاغل رابطه منفی و معنی‌دار و مزاج منفی کودک با اضطراب آنان رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. به عبارت دیگر، با افزایش مزاج مثبت کودک و کاهش مزاج منفی کودک، میزان اضطراب کودکان دارای مادران شاغل کاهش و بر عکس با کاهش مزاج مثبت کودک و افزایش مزاج منفی کودک، میزان اضطراب آنان افزایش می‌یابد. این یافته‌ها از جهاتی همسو با یافته‌های پژوهش‌های میلر و همکاران (۲۰۲۱)، هونگ و همکاران (۲۰۱۸)، فوکس و پاین (۲۰۱۲)، محمدی‌زاده و همکاران (۲۰۲۳) و اکبری و همکاران (۲۰۲۲) بودند. در تبیین یافته‌های این مطالعه بر مبنای پژوهش قاضیان و همکاران (۲۰۱۹) می‌توان استنباط کرد که مزاج مثبت باعث افزایش خلاقیت، انعطاف‌پذیری شناختی، کارایی در تصمیم‌گیری، حل مسئله و دیگر شاخص‌های تفکر مفید می‌شود و چنین افرادی هوشیار، متمرکز و مصمم هستند. درنتیجه،

این افراد هنگام رویارویی با مسائل مختلف زندگی، احساسات و هیجان‌های خود و دیگران را تشخیص می‌دهند و با توجه به شرایط، آن را تنظیم و روابط شخصی و بین شخصی خود را بهتر و کارآمدتر مدیریت می‌کنند. برخلاف افراد دارای مزاج مثبت، افراد دارای مزاج منفی معمولاً ناشاد، نگران و کم انرژی هستند که این ویژگی‌ها موجب اختلال در روابط شخصی و بین شخصی می‌شود. بنابراین، افراد دارای مزاج منفی تعهد کمتری به حفظ و برقراری روابط، بهویژه روابط بین شخصی، دارند و کمتر در رویارویی با مسائل مختلف زندگی، احساس‌ها و هیجان‌های خود و دیگران را تشخیص می‌دهند و نمی‌توانند آن‌ها را به شکل مناسب و کارآمدی مدیریت کنند.

نکته حائز اهمیت دیگر برمنای پژوهش مروین و همکاران (۲۰۱۷) این که مزاج کودک می‌تواند به عنوان عاملی برای تسريع یا تأخیر برای اضطراب آنان باشد؛ زیرا مزاج کودک شامل انواع احساسات و هیجان‌ها، شیوه پاسخ‌دهی به آن‌ها، همکاری و روابط بین شخصی است و براین اساس هنگامی که احساسات و هیجان‌هایی مانند خوش‌رویی تا افسردگی و کاره‌گیری یا خون‌گرمی تا بدخلقی را نشان دهند، زمینه بروز یک حالت کلی روان‌شناختی مثبت یا منفی در آنان فراهم می‌شود که مزاج مثبت باعث ایجاد یک حالت روان‌شناختی مثبت و مزاج منفی باعث ایجاد یک حالت روان‌شناختی منفی می‌گردد. با توجه به مطالب مطرح شده، منطقی به نظر می‌رسد که بین مزاج مثبت کودک با اضطراب کودکان رابطه منفی و معنی‌دار و بین مزاج منفی کودک با اضطراب آنان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشته باشد.

همچنین، یافته‌های این مطالعه نشان داد که پیوند عاطفی مادر و کودک با اضطراب کودکان دارای مادران شاغل رابطه منفی و معنی‌دار داشت. به عبارت دیگر، با افزایش پیوند عاطفی مادر و کودک، میزان اضطراب کودکان دارای مادران شاغل کاهش و بر عکس با کاهش پیوند عاطفی مادر و کودک، میزان اضطراب آنان افزایش می‌یابد. این یافته‌ها از جهاتی همسو با یافته‌های پژوهش‌های هونگ و همکاران (۲۰۱۸)، اسلامان و همکاران (۲۰۱۵)، گالشی و همکاران (۲۰۱۶) و خانجانی و همکاران (۲۰۱۶) بودند. در تبیین یافته‌های این مطالعه برمنای پژوهش خانجانی و همکاران (۲۰۱۶) می‌توان استنباط کرد که نوع ارتباط والدین و تعامل آن‌ها با کودکان می‌تواند در چگونگی شکل‌گیری اختلال‌های اضطرابی در آنان تأثیر زیادی داشته باشد. یکی از بحث‌های مهم روان‌شناسی کودک و نوجوان در این زمینه، نحوه ارتباط و پیوند مادر و کودک است؛ به طوری که در اکثر نظریه‌های رشدی به اهمیت رفتار مادران توجه ویژه‌ای شده است و تعامل و پیوند مادران با فرزندان، چه خشن و چه محبت‌آمیز و چه منع‌کننده و چه رشددهنده باشد، نقش مهمی در ویژگی‌های روان‌شناختی کودک خواهد داشت.

نکته مهم دیگر برمنای پژوهش اسلامان و همکاران (۲۰۱۵) این که پیوند عاطفی مناسب مادر و کودک در برگیرنده در کنترل نیازهای زیربنایی رفتار کودکان و توانایی پاسخ‌دهی مؤثر به این رفتارهای است و بر همین اساس به عنوان یک عامل حمایت‌کننده مانع بروز اختلال‌های اضطرابی می‌شود. در مقابل، پیوند عاطفی نامناسب مادر و کودک باعث ناتوانی مادر در پاسخ‌دهی به نیازهای زیربنایی کودک به دسترسی پذیری جسمی و هیجانی مادر برای کودک می‌گردد که می‌تواند سبب بروز اختلال‌های اضطرابی شود. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که با افزایش و بهبود پیوند عاطفی مادر و کودک، میزان اضطراب کودکان به طور معنی‌داری کاهش یابد.

علاوه بر آن، یافته‌های این مطالعه نشان داد که متغیرهای مزاج مثبت و منفی کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک بیشتر از سایر معنی‌دار اضطراب کودکان دارای مادران شاغل را داشتند که در این پیش‌بینی سهم پیوند عاطفی مادر و کودک بیشتر از متغیرها بود. پژوهشی در این زمینه یافت نشد، اما در تبیین توانمندی متغیرهای این مطالعه شامل مزاج مثبت و منفی کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان می‌توان استنباط کرد که هم مزاج کودک و هم پیوند عاطفی مادر و کودک، واکنش‌های متفاوتی را از طرف والدین بهویژه مادران بر می‌انگیزند؛ به طوری که مزاج مثبت کودک و پیوند عاطفی مطلوب مادر و کودک باعث ایجاد سبک دلبلستگی ایمن و شیوه‌های تربیتی مقتدر و مزاج منفی کودک باعث ایجاد سبک‌های دلبلستگی نایمن و شیوه‌های تربیتی مستبد، سهل‌گیر و بی تفاوت می‌شود که خود این عوامل، یعنی سبک‌های دلبلستگی و شیوه‌های

تریبیتی، می‌توانند نقش مؤثری در کاهش نیز افزایش اضطراب داشته باشند. نکته حائز اهمیت دیگر این که مزاج مثبت کودک و پیوند عاطفی مطلوب مادر و کودک با بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی مثبت شامل بهزیستی، کیفیت زندگی، سازگاری و غیره که توانایی پیش‌بینی اضطراب را به صورت معکوس دارند، هم‌بستگی مثبت دارد و مزاج منفی کودک با بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی مثبت شامل بهزیستی، کیفیت زندگی، سازگاری و غیره که توانایی پیش‌بینی اضطراب را به صورت معکوس دارند، هم‌بستگی منفی دارد. بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که مزاج مثبت و منفی کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک بتوانند با هم نقش مؤثر و معنی‌داری در پیش‌بینی اضطراب کودکان داشته باشند.

هر پژوهشی در هنگام اجرا با محدودیت‌هایی مواجه است که از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادی هدفمند، محدود شدن جامعه پژوهش به کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل شهر ارومیه و استفاده از روش پژوهش هم‌بستگی و ناتوانی در دستیابی به روابط علت‌و معلولی اشاره کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان در پژوهش‌های آتی جهت کاهش خطای نمونه‌گیری از روش‌های نمونه‌گیری تصادی استفاده شود. این پژوهش باید بر روی کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل سایر شهرها و یا حتی کودکان سایر سنین انجام و نتایج آن با نتایج این مطالعه مقایسه شود و جهت دستیابی به روابط علت‌و معلولی، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شود. نتایج این مطالعه حاکی از نقش مؤثر مزاج کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک در پیش‌بینی اضطراب کودکان ۳ تا ۶ ساله دارای مادران شاغل بود. این نتایج برای متخصصان و برنامه‌ریزان سلامت خانواده‌ها و حتی خود خانواده‌ها دارای تلویحات کاربردی بسیاری است و نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه باید به عنوان چشم‌اندازی جهت طراحی برنامه‌هایی برای کاهش اضطراب کودکان دارای مادران شاغل موردنویجه قرار گیرد. بنابراین، برای کاهش اضطراب آنان می‌توان از کارگاه‌های آموزشی کاهش مزاج منفی کودک و بهبود مزاج مثبت کودک و پیوند عاطفی مادر و کودک استفاده کرد.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله دستاوردهای فعالیت پژوهشی پژوهشگران بوده است که در طی آن شرکت کنندگان با آگاهی در پژوهش مشارکت کردند و جهت رعایت اخلاق پژوهشی، اصل رازداری رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته و تمام هزینه‌های آن توسط پژوهشگران تأمین شده است.

مشارکت نویسنده‌گان

نویسنده اول در گردآوری داده‌ها و اطلاعات، نگارش اولیه مقاله و اعمال نظرات و نویسنده دوم در ویرایش و بازنگری مقاله و تحلیل آماری و تبیین یافته‌ها مشارکت داشته است.

تضاد منافع

در ارائه نتایج این پژوهش، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود نداشته است.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از تمامی شرکت کنندگان بابت همکاری خالصانه‌شان در انجام این پژوهش، تشکر و قدردانی می‌شود.

References

- Akbari, N., Mahmovand, M., Shahidi, E., Azizi, M. (2022). Determining the role of family communication patterns and Kadak temperament in predicting separation anxiety in elementary school students. *Journal of new developments in psychology, educational sciences and education*, 4(39), 1-11. <https://civilica.com/doc/1670832/>
- Asselmann, E., Wittchen, H. U., Lieb, R., & Beesdo-Baum, K. (2015). The role of the mother-child

- relationship for anxiety disorders and depression: results from a prospective-longitudinal study in adolescents and their mothers. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 24, 451-461. [10.1007/s00787-014-0596-x](https://doi.org/10.1007/s00787-014-0596-x)
- Augustine, M. E., & Stifter, C. A. (2019). Children's behavioral self-regulation and conscience: Roles of child temperament, parenting, and parenting context. *Journal of applied developmental psychology*, 63, 54-64. [10.1016/j.appdev.2019.05.008](https://doi.org/10.1016/j.appdev.2019.05.008)
- Fox, N. A., & Pine, D. S. (2012). Temperament and the emergence of anxiety disorders. *Journal of the american academy of Child and adolescent Psychiatry*, 51(2), 125. [10.1016/j.jaac.2011.10.006](https://doi.org/10.1016/j.jaac.2011.10.006)
- Galeshi M, Mirghafourvand M, Alizadeh-Sharajabad F, Sanaati F. (2016). Predictors of Mother-Child Bonding. *Journal of Hayat*, 22 (1), 13-26. <https://www.sid.ir/paper/106132/fa>
- Ghazian, M., Besharat, M. A., & rezazade, S. (2019). The Moderating Role of Affective Temperament on the Relationship Between Attachment Styles and Dyadic Adjustment States. *Journal of Applied Psychological Research*, 10(1), 43-61. [10.22059/japr.2019.258348.642852](https://doi.org/10.22059/japr.2019.258348.642852)
- Glynn, L. M., Howland, M. A., Sandman, C. A., Davis, E. P., Phelan, M., Baram, T. Z., & Stern, H. S. (2018). Prenatal maternal mood patterns predict child temperament and adolescent mental health. *Journal of affective disorders*, 228, 83-90. [10.1016/j.jad.2017.11.065](https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.11.065)
- Gobeil-Bourdeau, J., Lemelin, J. P., Letarte, M. J., & Laurent, A. (2022). Interactions between child temperament and family environment in relation to school readiness: Diathesis-stress, differential susceptibility, or vantage sensitivity?. *Early Childhood Research Quarterly*, 60, 274-286. [10.1016/j.ecresq.2022.02.006](https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2022.02.006)
- Harvey, E., Lemelin, J. P., & Déry, M. (2022). Student-teacher relationship quality moderates longitudinal associations between child temperament and behavior problems. *Journal of school psychology*, 91, 178-194. [10.1016/j.jsp.2022.01.007](https://doi.org/10.1016/j.jsp.2022.01.007)
- HasanZadeh, H., Zeinali, A. (2019). The role of spouse intimacy, attachment styles and mother positive and negative affect in predicting mother-child emotional bond in during pregnancy. *Nursing and Midwifery Journal*, 17 (8), 592-602. <http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-3681-fa.html>
- Hazzard, V. M., Miller, A. L., Bauer, K. W., Mukherjee, B., & Sonneville, K. R. (2020). Mother-child and father-child connectedness in adolescence and disordered eating symptoms in young adulthood. *Journal of Adolescent Health*, 66(3), 366-371. [10.1016/j.jadohealth.2019.09.019](https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2019.09.019)
- Hegvik, R. L., McDEVITT, S. C., & Carey, W. B. (1982). The middle childhood temperament questionnaire. *Journal of Developmental & Behavioral Pediatrics*, 3(4), 197-200. [10.1097/00004703-198212000-00004](https://doi.org/10.1097/00004703-198212000-00004)
- Höflich, A., Kautzky, A., Slamanig, R., Kampshoff, J., & Unger, A. (2022). Depressive symptoms as a transdiagnostic mediator of mother-to-infant bonding: Results from a psychiatric mother-baby unit. *Journal of Psychiatric Research*, 149, 37-43. [10.1016/j.jpsychires.2022.02.005](https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2022.02.005)
- Hong, L. B., Arshat, D. Z., & Yaacob, D. S. N. (2018). Temperament and anxiety of children in childcare centre: Child-parent relationship as mediator. *International Journal of Humanities and Social Science*, 8(5). [10.30845/ijhss.v8n5a9](https://doi.org/10.30845/ijhss.v8n5a9)
- Khanjani, Z., Peymannia, B., Hashemi T. (2016). Prediction of quality of interaction mother - child with anxiety disorders in children According to cultural characteristics of Iranian mothers. *New Thoughts on Education*, 12 (2), 239-260. [10.22051/jontoe.2016.2398](https://doi.org/10.22051/jontoe.2016.2398)
- Kitamura, T., Takegata, M., Haruna, M., Yoshida, K., Yamashita, H., Murakami, M., & Goto, Y. (2015). The Mother-Infant Bonding Scale: factor structure and psychosocial correlates of parental bonding disorders in Japan. *Journal of child and family studies*, 24, 393-401. [10.1007/s10826-013-9849-4](https://doi.org/10.1007/s10826-013-9849-4)
- Kline, R. B. (2016). Principles and practice of structural equation modeling (4th Ed.), New York: The Guilford Press. <https://dl.icdst.org/pdfs/files4/befc0f8521c770249dd18726a917cf90.pdf>
- Kolk, T. A., Nath, S., Howard, L. M., Pawlby, S., Lockwood-Estrin, G., & Trevillion, K. (2021). The association between maternal lifetime interpersonal trauma experience and perceived mother-infant bonding. *Journal of Affective Disorders*, 294, 117-127. [10.1016/j.jad.2021.06.069](https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.06.069)
- Lee, H., Lee, S. H., Ko, M. J., Kim, S. J., & Shin, J. E. (2020). Association between fetoplacental Doppler results, placental pathology, and angiogenic factors among pregnant women with anxiety. *Taiwanese Journal of Obstetrics and Gynecology*, 59(6), 842-847. [10.1016/j.tjog.2020.09.011](https://doi.org/10.1016/j.tjog.2020.09.011)
- Lowrie, N., Le Bas, G., Youssef, G., Macdonald, J. A., Teague, S., Rogers, A., ... & Hutchinson, D.

- (2022). Association of adolescent and young adult depression and anxiety with perinatal mental health in fathers: Findings from an Australian longitudinal study. *Journal of psychiatric research*, 156, 206-213. [10.1016/j.jpsychires.2022.10.017](https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2022.10.017)
- Merwin, S. M., Smith, V. C., Kushner, M., Lemay Jr, E. P., & Dougherty, L. R. (2017). Parent-child adrenocortical concordance in early childhood: The moderating role of parental depression and child temperament. *Biological Psychology*, 124, 100-110. [10.1016/j.biopspsycho.2017.01.013](https://doi.org/10.1016/j.biopspsycho.2017.01.013)
- Mikaeli Manee, F., & Ab Khiz, S. (2021). The Study of the Psychometric properties of the Youth Anxiety Measure for DSM-5. *Journal of Clinical Psychology*, 12(4), 49-62. [10.22075/jcp.2021.20602.1899](https://doi.org/10.22075/jcp.2021.20602.1899)
- Miller, M. L., Williams, B. M., McCabe, J. E., Williamson, J. A., King, S., Laplante, D. P., ... & O'Hara, M. W. (2021). Perinatal anxiety and depressive symptoms and perception of child behavior and temperament in early motherhood. *Journal of developmental origins of health and disease*, 12(3), 513-522. [10.1017/S2040174420000781](https://doi.org/10.1017/S2040174420000781)
- Mohammadizadeh F, Nasiri-Formi E, Saeed L, Hosseinnataj A, Akbari H. (2023). Relationship between Temperament and Anxiety before Cesarean Section. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 32 (218), 31-39. <https://civilica.com/doc/1784555/>
- Robson, D. A., Johnstone, S. J., Putwain, D. W., & Howard, S. (2023). Test anxiety in primary school children: A 20-year systematic review and meta-analysis. *Journal of School Psychology*, 98, 39-60. [10.1016/j.jsp.2023.02.003](https://doi.org/10.1016/j.jsp.2023.02.003)
- Rodgers, J., Wigham, S., McConachie, H., Freeston, M., Honey, E., & Parr, J. R. (2016). Development of the anxiety scale for children with autism spectrum disorder (ASC-ASD). *Autism Research*, 9(11), 1205-1215. [10.1002/aur.1603](https://doi.org/10.1002/aur.1603)
- Shokri Mirhosseini, H., Alizadeh, H., & Farrokhi, N. (2021). Effectiveness of Coping Cat cognitive – behavior therapy on Assertiveness in children with Anxiety Disorders. *Empowering Exceptional Children*, 12(1), 75-85. <https://www.sid.ir/paper/956651/fa>
- Sweetman, A., Lovato, N., Micic, G., Scott, H., Bickley, K., Haycock, J., ... & Lack, L. (2020). Do symptoms of depression, anxiety or stress impair the effectiveness of cognitive behavioural therapy for insomnia? A chart-review of 455 patients with chronic insomnia. *Sleep Medicine*, 75, 401-410. [10.1016/j.sleep.2020.08.023](https://doi.org/10.1016/j.sleep.2020.08.023)
- Tam, H. L., Kwok, S. Y., Ling, C. C., & Li, C. I. K. (2018). The moderating effects of positive psychological strengths on the relationship between tiger parenting and child anxiety. *Children and Youth Services Review*, 94, 207-215. [10.1016/j.childyouth.2018.09.018](https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2018.09.018)
- Tokuda, N., Kobayashi, Y., Tanaka, H., Sawai, H., Shibahara, H., Takeshima, Y., ... & Katoh, T. (2021). Feelings about pregnancy and mother-infant bonding as predictors of persistent psychological distress in the perinatal period: The Japan Environment and Children's Study. *Journal of Psychiatric Research*, 140, 132-140. [10.1016/j.jpsychires.2021.05.056](https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2021.05.056)
- Yazdkhasti, F., Javaheri, R., Oreizi, H. (2011). Standardization of middle childhood temperament questionnaire and the study of the relationship between childhood temperament and demographic characteristics in Iranian culture. *Journal of Shahrekord University of Medical Sciences*, 13 (4), 81-93. <https://www.magiran.com/p916091>